

ارائه الگوی خانواده درمانی سهم گذاری در حل تعارضات خانواده

معصومه اسمعیلی^۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۳۰

چکیده:

این پژوهش با هدف ارائه یک الگوی مشاوره ازدواج و خانواده صورت گرفته است. به این منظور ابتدا مقدمه‌های بر چگونگی تشکیل خانواده، تحولات خانواده در جهان و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری این تحولات در زندگی انسان، با توجه به متون مرتبط ارائه شده است. روش مورد استفاده در این پژوهش، روش استقرایی-قیاسی است. سطح تحلیل در این جستار هم تهیه یک گزارش توصیفی از آیات درباره ازدواج و خانواده و هم گسترش یک نظریه درباره ازدواج و خانواده است. مبانی و اصول مستخرج از آیات قرآن کریم به عبارت ذیل تدوین شدند: مبنای اول مخلوقیت سهم گذار و اصول مرتبط: حکیمانه بودن نیاز ذاتی به همسری، خالق محور معنابخشی، مسئول در مقابل اهداف کلی آفرینش، عامل در سعادت و شقاوت خود. مبنای دوم آفرینش احسن و اصول مرتبط: انتخاب گری لازمه تکوین بشر، ارتباط لازمه‌ی تکوین بشر، معیارمندی آفرینش. مبنای سوم پیوستگی و وسعت هستی و اصول مرتبط: حق محور همگرایی، نظارت و قاعده‌مندی آفرینش، درک اصل و فرع لایه‌های وجود از طرف سهم گذار، درک پیوستار زمان از طرف سهم گذار، درک بافت پرورش سهم گذار. مبنای چهارم هدفمندی آفرینش و اصول مرتبط: مشابهت نگاه سهم گذاران، هماهنگی نگاه سهم گذاران بر محور حق، نیت‌مداری و در نهایت مبنای پنجم زوجیت و اصول مرتبط: آرامش، مودت، رعایت نقش‌های زوجی، دوستی بر مبنای حق، هماهنگی با قواعد کلی، زوجیت به اذن الله. برنامه مورد نظر در بخش محتوا مؤلفه‌های زندگی سعادت‌مند زوجی با توجه به ویژگی‌هایی که قرآن کریم در سوره فرقان و انبیا مطرح فرموده؛ در بخش فرایند مسیر سلوک انسانی از نظر قرآن کریم و در بخش فنون نیز از فنونی ارتباطی، استدلالی، استعلایی و قانع‌سازی هیجانی هستی‌شناسانه قرآن کریم بهره گرفته است.

واژگان کلیدی: الگوی خانواده درمانی، سهم گذاری، تعارضات خانواده

مقدمه

چه مسیر تنوع آفرینش را بپذیریم و چه تبدیل؛ به نظر می‌رسد تشکیل خانواده این طور شروع شده باشد که زن و مرد اولیه به دلیل یک نیاز فطری و یک جاذبه خلقتی و هستی شناسانه به سوی یکدیگر کشیده شده و ارتباط آن‌ها موجب تولد اولین محصول مشترک آن‌ها در این سهم گذاری آغازگر شده است. لازمه حفظ این محصول مشترک، سهم گذاری‌های تداوم‌بخش در این شراکت را در پی داشته‌است و به این ترتیب اولین خانواده با سهم گذاری یک زن و مرد، بر مبنای یک نیاز فطری و جاذبه خلقتی و هستی شناسانه شکل گرفته است. به نظر می‌رسد شرایط سخت گذشته، این شراکت را آن‌قدر ضروری، غیر قابل تغییر، هدف مدار و دگرخواهانه (حفظ فرزند) ساخته باشد که چیزی غیر از آن و فراهم آوردن ملزومات تداوم آن را در ذهن زن و مرد اولیه غیر قابل تصور می‌ساخته است.

می‌توان این طور تصور کرد که این روند مبانی اولیه زندگی خانوادگی که همان فطری بودن نیاز به یکدیگر، وجود جاذبه خلقتی و هستی شناختی، رفع نیاز و آرامش دادن به یکدیگر، شکل‌گیری مودت، تولید مثل و شکل‌گیری رحمت را به ظهور رسانده باشد. سپس افزایش خانواده‌ها، کارکردها، انتخاب‌ها و پیچیده‌تر شدن ارتباطات، جمعیت‌های متفاوتی از انسان‌ها را به وجود آورد تا یکدیگر را بشناسند. لازمه این گوناگونی وضع اصول و قوانین بود. بعضی از این قوانین که ناشی از سنخ وجودی بشر و هستی شناسانه است لایتغیر و بعضی دیگر وابسته به شرایط محیطی و نوع انتخاب‌های بشر است که مختار آفریده شده و براساس این ویژگی تکوین می‌یابد. نهایتاً تشکیل جوامع بزرگ‌تر و شرایط محیطی پیچیده‌تر منجر به تغییر ساختار خانواده شده است. تغییرات ساختاری سیستم خانواده تا امروز تابعی از وضعیت‌های اجتماعی در دوره‌های تاریخ بشر بوده است.

امروزه، یکی از علل تغییر تعریف خانواده و مفاهیم مرتبط با آن مربوط به تضعیف بنیان‌های فلسفی ازدواج در کشورهای غربی بوده است. برای مثال دو مفهوم «تعهد به زندگی با یکدیگر»^۱ و «تعهد به ازدواج»^۲ یکسان با یکدیگر تلقی می‌شوند در پارادایم‌های مختلف نظرات درباره اینکه خانواده چیست و ساختار آن چگونه باید باشد متفاوت و همواره در حال تغییر است. آنچه مسلم است این است که در معنای خانواده و زندگی خانوادگی تغییرات و آشفتگی‌های زیادی رخ داده است. در بین جوامع غربی و (دیگر جوامع)، افراد شیوه‌های متنوعی را برای زندگی در کنار یکدیگر انتخاب می‌کنند. برخی از این انتخاب‌ها مستلزم تغییراتی در الگوی خانواده‌های هسته‌ای است، برخی دیگر اقداماتی کاملاً حساب شده و روشن برای کنار گذاردن خانواده هسته‌ای است، از جمله برخی روابط تک والدی و اشتراکی. (دالاس و دراپر^۳، ترجمه اسمعیلی، ۱۳۸۹)

خانواده در عصر حاضر به حیات خود ادامه خواهد داد و از بین نخواهد رفت. اما دگرگونی‌هایی در الگوهای خانواده و روابط حاکم بر آن ایجاد خواهد شد. مردم شکل‌های جدید و متنوع‌تری از روابط خانوادگی را تجربه خواهند کرد. خانواده در عصر جهانی شدن، خانواده هسته‌ای سنتی نخواهد بود. خانواده که نهادی اجتماعی است، تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن، تحولاتی را تجربه کرده که آن را در تعارض با خانواده سنتی قرار داده است. خانواده در طول تاریخ، تحت تأثیر تحولات گوناگون اقتصادی و اجتماعی، دگرگون شده است (کار^۴، ۲۰۱۲). به نظر می‌رسد که خانواده هسته‌ای پس از روند صنعتی شدن غرب شکل حاکم خانواده چه در دنیای صنعتی چه در سایر مناطق جهان شده؛ اما امروزه آمار کشورهای پیشرفته صنعتی نشان می‌دهد که خانواده هسته‌ای (زن و شوهر و فرزندان) دیگر اکثریت خانواده‌ها را تشکیل نمی‌دهند و در حال حاضر انواع جدید خانواده‌ها پدید آمده‌اند و تعداد آن‌ها به حدی

1 - commitment to live together

2 - commitment to marriage

3 - Dollas & Drapper

4 - Carr

رسیده که دیگر نمی‌توان از پدیده‌های استثنایی صحبت کرد، بلکه باید نگاهی مجدد به تعریف خانواده کرد و بخصوص در آن تأمل کرد؛ زیرا کلیه شواهد بر دگرگونی خانواده تأکید دارد. آمار موجود نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج در کل کشور برای مردان ۲۷/۳۰ سال و برای زنان ۲۳ سال است (خبرنامه آماری کشور، ۱۳۹۱). طی سال‌های ۸۶ تا ۹۰ درصد تغییر نرخ ازدواج هر سال نسبت به سال قبل کاهش داشته، طوری که در سال ۸۶ (۸/۱)، در سال ۷۸ (۴/۸)، در سال ۸۸ (۱)، در سال ۸۹ (۰/۲) و در سال ۹۰ (۱/۹-) بوده است؛ به عبارت دیگر از سال ۸۶ تا ۸۹ بر میزان ازدواج‌ها هر چند با شیب اندک، اضافه شده ولی در سال ۹۰ کاهش یافته است (سالنامه آماری، ۱۳۹۰).

در آمریکا، در دهه ۱۹۷۰، نزدیک به ۴۰۰ هزار زوج در قالب الگوهای هم‌خانگی^۱ زندگی می‌کردند، اما این آمار در دهه ۱۹۸۰ به ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار زوج رسید. در اواخر دهه ۱۹۹۰، از مرز ۴ میلیون گذشت (لمبرت، ۲۰۰۴). این در حالی است که بر طبق آمارهای سال ۲۰۱۰، بیش از ۷ میلیون زوج (۱۴ میلیون نفر) در آمریکا در قالب هم‌خانگی با یک دیگر زندگی می‌کنند. همچنین نتایج تحقیقات نشان می‌دهد بیش از نیمی از زنانی که در آمریکا ازدواج کرده‌اند، پیش از آن، رابطه هم‌خانگی را با همسر فعلی خود تجربه کرده بودند (دیویس و پیرسی، ۲۰۰۷). این تغییرات گویای آن است که در چند دهه اخیر، واقعه‌ای مهم در این جوامع رویداده است. تحولات اقتصادی و تغییرات اجتماعی در پی آن، بسیاری از معادلات را برهم زده است. با گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج، در کشورهای متعدد جهان، به تدریج سن ازدواج در این کشورها افزایش یافت؛ اما با گسترش هم‌خانگی، تعداد ازدواج‌ها نیز کاهش چشم‌گیری یافت؛ چرا که هم‌خانگی، به شکل رقیبی جدی، در مقابل ازدواج قد علم کرده بود.

امروز به نظر می‌رسد بشر می‌تواند با بازبینی نتایج عملکرد خود در طول تاریخ از بین الگوهای عملی که تاکنون وجود داشته دست به انتخاب بزند. با افزایش پیچیدگی‌ها و ایجاد

1- cohabitation model

شرایط خاص اقتصادی، سیاسی به وسیله قدرت‌های حاکم، فرهنگ و ارتباطات خانوادگی به شدت دستکاری شده است. هرچند امروز سرعت و پیچیدگی این تغییرات آن‌چنان زیاد است که فرصت یافتن برای درک و انتخاب موقعیت مناسب بسیار مشکل می‌نماید و متأسفانه بسیاری از جوامع در درون شرایط سقوط کرده و با مشکلات و معضلات غیر قابل پیش‌بینی آن روبرو شده‌اند اما همچنان قدرت انتخاب و بازگشت در اختیار بشر است. در قرن اخیر صنعت طبقه‌بندی، سنجش استقرایی و کمی سازی در علوم تجربی به رفتارهای اجتماعی بشر هم تعمیم داده شد و به این ترتیب حوزه‌های مختلف روان‌شناسی و مشاوره مانند خانواده درمانی شکل گرفته که به طرح الگوهایی برای تبیین و حل مسائل خانواده می‌پردازد. هدف کلی در این پژوهش یافتن ویژگی‌های یک الگوی مشاوره‌ای مبتنی بر مبانی و اصول و طرح کلی قرآن کریم درباره‌ی ازدواج و خانواده است.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش استقرایی-قیاسی است. سطح تحلیل در این جستار هم تهیه یک گزارش توصیفی از آیات درباره ازدواج و خانواده بود و هم گسترش یک نظریه درباره ازدواج و خانواده.

تعیین کدهای خاص: در اینجا ابتدا مفهوم زوجیت مبنای اساسی قرار گرفت و دو سؤال اصلی شکل گرفت و آن اینکه از نظر قرآن کریم مبنای زوجیت در هستی چیست و سؤال دوم، اصول زوجیت و اداره‌ی یک خانواده پویا و رشد دهنده مبتنی بر این مبانی چیست؟ تمام موضوعات مرتبط با این کدها با توجه به مطالعه ترجمه و تفسیر آیات مرتبط مورد بررسی قرار گرفت. سپس یک تعریف مقدماتی از خانواده طرح شد و با توجه به مبانی استنتاج شده از قرآن کریم یک تبیین نظری مفهومی درباره چگونگی ارتباط عناصر مبنایی و اصولی ارائه شد و در نهایت با توجه به رابطه‌ی مفاهیم و پیش فرض‌های استخراج شده، یک برنامه عملی (فرایند، محتوا و فنون) برای مداخله در مسائل زن شوهرها و خانواده‌ها طراحی شد.

در این جستار در حقیقت دو محور اساسی در ارائه کلی مسائل قرآن قابل دریافت بود که گویی همه‌ی امور روی نقطه‌ای از این دو محور قرار دارد. محور مخلوقیت-خلق احسن و محور وسعت بی‌وقفه آفرینش-هدفمندی آفرینش یا به طور خلاصه وسعت‌بخشی هدفمند که هر چیز در گذر از نیستی به هستی از این مسیرها مایه می‌گیرند.

جامعه پژوهش، قرآن کریم و نمونه آیات مرتبط با زوجیت و خانواده بود که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند ابتدا واژه زوج و واژگان مرتبط مورد بررسی قرار گرفت و تمام آیات و تفاسیر مرتبط از طریق نرم‌افزار تبیان استخراج شد. سپس سؤال‌ها و آیات با کدگذاری اولیه به افرادی با مطالعه عمیق قرآنی فرستاده شد و با تکمیل مباحث با نظرات ایشان به تعیین مبانی و اصول اقدام شد.

اصول و مبانی زیر بنایی تعریف

اصولاً هر نظریه دارای مبانی و اصول خاصی است که نظریه پرداز حیطه‌ی مورد نظر خود را با بهره‌گیری از آن توصیف و تبیین می‌کند. در یک نظریه مبانی همان گزاره‌های توصیفی درباره یک موضوع و اصول گزاره‌های تجویزی استنباط شده از مبانی و معیار عمل است. هر نظریه دارای مبانی و اصول خاصی است که نظریه پرداز حیطه‌ی مورد نظر خود را با بهره‌گیری از آن توصیف و تبیین می‌کند. در یک نظریه مبانی همان گزاره‌های توصیفی درباره یک موضوع و اصول گزاره‌های تجویزی استنباط شده از مبانی و معیار عمل است.

در این الگو محقق تلاش کرده است با توجه به مطالعه و درک آموزه‌های هستی‌شناسانه قرآن کریم درباره خانواده، مبانی و اصولی را برای توصیف و تبیین خانواده ارائه گردد. اصول مستخرج از این مبانی در دو دسته مورد بحث قرار گرفته است: الف: اصول کلی آفرینش مرتبط با ازدواج و ب- اصول مختص زوجیت

مبنای اول: مخلوقیت سهم گذار^۱

مالک حقیقی و مدبر آسمان‌ها و زمین به عنوان یک امر تردیدناپذیر، خداوند است. مالکیت آسمان‌ها و زمین از آن اوست. زنده می‌کند و می‌میراند. بر هر چیز تواناست^۲ (حدید ۲). اول و آخر و پیدا و پنهان اوست و او بر هر چیز داناست (حدید، ۳). ارکان و سهم گذاران خانواده مخلوق خدای واحدند.

الف: اصول کلی آفرینش مرتبط با ازدواج

خالق، محور معنا بخشی^۳: هیچ‌گاه با قاطعیت مگو چنین یا چنان خواهیم کرد مگر آنکه آن را وابسته به مشیت الهی نمایی (۲۳ و ۲۴ کهف^۴). هر حرکت، تغییر و تصمیم باید منطبق بر اراده خداوند باشد.

۱- هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا ﴿۱﴾ إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿۲﴾ آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکر نبود (۱). ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم بدین جهت او را شنوا و بینا قرار دادیم (۲) (ایه ۱ و ۲ سوره انسان). يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۲۱﴾ ای مردم پروردگار خود را پرستش کنید، آن کس که شما و پیشینیان را آفرید تا پرهیزکار شوید. (۲۱ بقره). يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ۶ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ۷ (آیه ۶ و ۷ سوره انفطار)

۲- لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِحِي وَبُيُوتِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۳- إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفَخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۱۰ سوره مائده).

۴- وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكُمْ غَدًا ۲۳ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبٍ مِنْ هَذَا رَشَدًا (۲۳ و ۲۴ سوره کهف)

ب- اصول مختص زوجیت:

اصل مسئولیت در مقابل اهداف کلی آفرینش (اسرا)! هر عملی از سوی انسان باید اهدافی متناسب با اهداف هستی داشته باشد زیرا در غیر این صورت آن عمل بیهوده است. همان‌ها که دین و آیین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخت امروز ما آن‌ها را فراموش می‌کنیم همان گونه که آن‌ها لقای چنین روزی را فراموش کردند و آیات ما را انکار کردند (الاعراف ۵۱) «جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ...» (شوری/۴۲، ۱۱) گرچه جمله «يَذُرُّكُمْ فِيهِ»، تکثیر نسل انسان را بیان داشته است، در این جهت، میان انسان و چارپایان و گیاهان فرقی نیست. در جای دیگری می‌فرماید: پروردگار، شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را نیز از جنس او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری را پراکنده ساخت. «... وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...» (نساء/۴، ۱) در آیه ۷۲ نحل/۱۶ می‌فرماید: از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌ها قرار داد. «... وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً.» قرآن، بقای نسل انسان و اجتماع مدنی را به ازدواج منوط می‌داند و روی آوردن به زنا* و لواط* را ناپودکننده راه بقای نسل می‌شمارد: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء/۳۲، ۱۷)، «أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ...» (عنکبوت/۲۹، ۲۹)؛ آنچه مشخص است اینکه با رواج روابط نامشروع، رغبت به ازدواج کم می‌شود؛ جاذبه آن از بین می‌رود، می‌ماند بار تأمین مسکن و نفقه و به دنیا آوردن اولاد و تربیت؛ به این ترتیب راه‌های آسان پاسخ‌گویی به غرایز که نامشروع است، رایج می‌گردد و هدف بقای نسل، نادیده گرفته خواهد شد!

۱- الَّذِينَ يَذُرُّونَ اللَّهَ قِيَامًا وَفُجُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آن گاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند): بار الها! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزه‌ی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار! [۱۹۱ / ال عمران]. أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى. آیا انسان می‌پندارد که بیهوده و باطل رها می‌شود (و تکلیف و حسابی

ندارد). [۳۶ / قیامه]

زوجین و اعضای خانواده موظف هستند، رفع نیازهای خود را با توجه به اهداف کلی آفرینش برطرف کنند.

اصل عاملیت انسان در سعادت و شقاوت خود^۱: فضایی که مسئله در آن ایجاد می شود باید مدنظر قرار بگیرد هم به لحاظ معنایی هم به لحاظ تاریخی. آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود، آن‌ها نیرومندتر از این‌ها بودند و زمین را بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند و پیامبران با دلایل روشن به سراغشان آمدند خداوند هرگز به آنان ستم نکرد. آن‌ها خودشان به خودشان ستم کردند^۲ (روم؛ آیه ۹)

انسان مسئول سرنوشت خود است، پس باید سعادت خود را در مسئله ازدواج مدنظر قرار بدهد.

اصل حکیمانه بودن نیاز ذاتی به همسری^۳: نیازهای فطری انسان از جمله نیاز به همسر کامل کننده وجود اوست و وجود این نیاز در هستی انسان، یک حکمت است. این نیاز است

۱- وَ مَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكُ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمْنَاهَا رَسُولًا يُخَوِّفُهُمْ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَ مَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَ أَهْلُهَا ظَالِمُونَ؛ و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند و ما هرگز آبادیها و شهرها را هلاک نکردیم مگر آنکه اهلش ظالم بودند! [۵۹ / قصص]. ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكِ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَ أَهْلُهَا غَافِلُونَ. این (ارسال پیامبران) برای این است که پروردگارت هرگز هلاک کننده (مردم) شهرها و روستاها به ستم نبوده در حالی که اهلشان غافل باشند. [انعام / ۱۳۱]

۲- أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ أَثَارُوا الْأَرْضَ وَ عَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

۳- فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ مِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ كَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. او آفریننده آسمانها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفتهایی از چهارپایان آفرید و شما را به این وسیله [بوسیله همسران] زیاد می کند هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست. (۱۱ سوره شوری) - يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ تُنذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ. فرشتگان را به فرمان خود با روح (با وحی و قرآن) بر هر کس از بندگانش که بخواهد فرو می فرستد که هشدار دهید که معبودی جز من نیست، پس از من پروا کنید. (۲ سوره نحل).

که او را از خودخواهی و در خود لولیدن دور می‌کند. به وجود او وسعت می‌بخشد و ارتباط داشتن و علاقه اجتماعی را در او نهادینه می‌سازد.

زنان و مردان برای به ظهور رسیدن همه‌ی ظرفیت‌های وجود خود باید ازدواج کنند مگر در شرایط خاص که صبر به آن‌ها پیشنهاد شده است.

مبنای دوم: آفرینش احسن^۱

هر چیز در جهان آفریده شده است؛ در بهترین شکل خود است: «همان کسی که هفت آسمان را برفراز یکدیگر آفرید». «در آفرینش خداوند رحمان تضاد و نقصی نمی‌بینی، دوباره نگاه کن. آیا هیچ شکاف یا خللی می‌بینی.» (ملک، آیه ۳) و «او همان کسی است که هر چیز را آفرید، نیکو آفرید^۲» (سجده، آیه ۷). به این ترتیب آفرینش زن و مرد به عنوان ارکان تشکیل دهنده یک خانواده به بهترین شکل هماهنگ و آماده پذیرش یکدیگر صورت گرفته است.

الف: اصول کلی آفرینش مرتبط با ازدواج

اصل معیارمندی آفرینش^۳: همه جهان هستی با قدر معلوم در تدبیر الهی تکوین یافته است. همچنان که در سوره سجده آیه ۷ آمده است: آن کسی است که هر چه را آفرید، نیکو آفرید و آفرینش انسان (اول) را از گل آغازید. و یا در سوره مرسلات (آیه ۲۱ و ۲۳) چنین آمده است: و آن را در جایگاهی استوار قرار داده‌ایم (که رحم مادر است و آن اندازه مناسب و

۱- وَ تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ. کوه‌ها را می‌بینی و آنها را ساکن و جامد می‌پنداری، در حالی که مانند ابر در حرکتند این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متفن آفریده او از کارهایی که شما انجام می‌دهید مسلماً آگاه است! (۸۸ سوره نمل)

۲- الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ

۳- السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ. لَا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ۹ وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ۱۰ وَالْأَرْضَ وَوَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ۱۱ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ. آسمان را برافراشت و میزان و قانون (در آن) گذاشت. ۸. تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید). ۹. و وزن را بر اساس عدل بر پا دارید و میزان را کم نگذارید! ۱۰. زمین را برای خلائق آفرید. ۱۱. که در آن میوه‌ها و نخلهای پر شکوفه است.

جالب و عجیب است که هر انسانی را در شگفتی فرو می‌برد) - ما توانائی (این کار را) داشته‌ایم (که از نطفه ناچیز و حقیری چنان انسان شریف و کاملی بسازیم) و ما بهترین توانا بوده و هستیم. سهم گذاران باید هر فعالیت در زندگی را با سرمشق گرفتن از آفرینش براساس معیار و رعایت تناسب و هماهنگی انجام دهند.

ب- اصول مختص زوجیت

اصل انتخابگری لازمه تکوین بشر^۱: ما راه را برای او روشن نمودیم خواه سپاسگزار باشد یا پوشاننده (انسان ۳) پس انتخاب راه با رونده آن است. راه معیار مشخص شده است پس متفاوت از یک دیدگاه نسبیست گرایانه است. هر چند تشخیص و تطبیق با معیار به عهده انسان است. میل به امور مادی و محبت به فرزند و ثروت‌اندوزی محل آزمایش است تا چه کسی، چطور و چگونه انتخاب کند (آل عمران: ۱۴ / کهف؛ ۴۶).

انتخاب در همه‌ی امور و از جمله ازدواج و ارتباط باید با توجه به معیارهای روشن صورت گیرد.

اصل ارتباط لازمه تکوین بشر^۲: انسان برای رفع نیاز خود به میدان دعوت می‌شود و با آمدن به میدان خواستن و نخواستن را تجربه می‌کند، انتخاب در او شکل می‌گیرد و انسانی شدن در او تکوین می‌یابد. زن و مرد باید با قرار گرفتن در مسیر زندگی زن و شوهری وجود خود را گسترش دهند و از خودخواهی پرهیز کنند.

۱- وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ؛ و او را به راه خیر و شرّ هدایت کردیم! [بلد. آیه ۱۰].

۲- وَ مَا أَوْتَيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ- آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است آیا اندیشه نمی‌کنید؟! [قصص- آیه ۶۰]. مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوفٍ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ. کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند، (نتیجه) اعمالشان را در همین دنیا بطور کامل به آنها می‌دهیم و چیزی کم و کاست از آنها نخواهد شد! [آیه ۱۵، سوره هود]

مبنای سوم: پیوستگی و وسعت هستی^۱

هستی به وسعت غیب و شهادت است و تابعان این نوع هستی شناسی به پیوستگی و وسعت آن ایمان دارند. مگر کسانی که کافرند نمی‌دانند که آسمان‌ها و زمین به هم چسبیده و پیوسته بودند و ما از هم جدایشان کردیم (انبیا ۳۰) (آیات ۲ تا ۵ بقره). آنچه در ظاهر با آن در تعامل هستیم در غیب معنی می‌شود لذا پرداختن به ظاهر صرف، فریب خوردن است. هیچ چیزی نیست مگر آنکه خزانه‌ها و اصل‌های آن نزد ماست و از آن فرود نمی‌آوریم مگر به اندازه معین (حجر ۲۱) فرمود زندگی دنیا جز لهو و لعب چیزی نیست و سرای آخرت زندگی واقعی است اگر آن‌ها می‌دانستند (عنکبوت: ۶۴). آن‌ها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت غافل‌اند^۲ (سوره الروم؛ آیه ۷).

۱- اَلَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ۳ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ حَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ^۴ همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟ بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانده) به سوی تو باز می‌گردد در حالی که خسته و ناتوان است! (ملک ۳ و ۴) - وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ. و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است. [۶۹ / عنکبوت]. إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَأَيْتَهُمْ كَثِيرًا قَلْبُكَ لَفُتِلْتَمَ وَ لَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأُمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ. هنگامی که خداوند ایشان را به تو در خوابت اندک نمایاند و اگر بسیار نشان می‌داد هر آینه در کار اختلاف می‌کردید، لیکن خداوند (شما را) سلامت داشت که او دانا است به آنچه در سینه‌ها است. (انفال ۴۳). بَلَىٰ إِنَّ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُواكُمْ مِنْ قُدْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ. چرا اگر صبر کنید و پروا پیشه کنید و آنها به همین فوریت و جوش و خروش به شما روی آورند، پروردگارتان شما را با پنج هزار از فرشتگان نشاندار یاری می‌کند. [۱۲۵ / آل عمران]

۲- يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ

الف: اصول کلی آفرینش مرتبط با ازدواج

اصل حق، محور هم‌گرایی^۱: مردم در آغاز یک دسته بودند بتدریج بین آنها اختلاف ایجاد شد. خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی را که به سوی حق دعوت می‌کرد نازل کرد تا در میان مردم در آنچه اختلاف داشتند داوری کند. خداوند آنها را که ایمان آورده بودند به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود به فرمان خودش رهبری نمود و خدا هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند (بقره ۲۱۳).

سهم‌گذاران در ازدواج و اعضای خانواده باید با توجه به ملاک واحد حق با هم اتحاد کنند.

اصل قاعده‌مندی آفرینش: هر چیزی بر اساس اصول آفریده شده است. آیه (فصلت ۹-

(۲۱۴)

۱- إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ الْأِسْلَامَ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيَا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ. همانا دین نزد خدا تنها اسلام است و اهل کتاب در آن اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه به حقایق آن یقین داشتند و خصوصیتی که در بین خود داشتند وادار به اختلافشان کرد و کسی که به آیات خدا کفر بورزد باید بداند که خدا سریع الحساب است. [۱۹ / ال عمران]. أَ فَحُكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ. آیا آنها حکم جاهلیت را (از تو) می‌خواهند؟! و چه کسی بهتر از خدا، برای قومی که اهل یقین هستند، حکم می‌کند؟! [۵۰ / مائده] أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ آیا خداوند بهترین داوران و حاکمان نیست؟! [۸ / تین]

۲- قُلْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ فَادْعُوا اللَّهَ عَزًّا وَتَعَازًّا ۚ يَوْمَئِذٍ إِلَهُكَ الْأَعْلَى ۚ خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَادًا ذَلِكُمْ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۙ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيًّا مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكْتَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلنَّاسِ لِيُنذِرَ ۗ ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ أُنْتِ بِطَوْعَا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ۚ فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا ۚ رَبَّنَا السَّمَاءُ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكُمْ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۙ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَتَمُودَ ۚ إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ۙ ۱۴

پس در روابط موجود بین اجزای هستی قواعدی حاکم است که گریزی از آن نیست. سهم گذاران در ازدواج باید با قواعد هستی شناسانه ارتباط را بیاموزند و عمل خود را متناسب با این قواعد هستی بخش و گریزناپذیر هماهنگ سازند.

اصل نظارت: جهان و انسان پرتاب شده نیستند، رها شده نیستند^۱ بلکه همه چیز از جمله هر نوع عمل به عینه دیده می شود و حساب و کتاب و کتاب می شود. خداوند آفرینش را آغاز می کند سپس آن را باز می گرداند سپس شما را به سوی او باز می گرداند^۲ (۱۰، روم) آن روز که قیامت برپا می شود، مجرمان در نومیدی و غم و اندوه فرو می روند^۳ (۱۱؛ روم) خداوند از غیب آسمانها و زمین را می داند و نسبت به آنچه انجام می دهید بیناست^۴ (حجرات؛ ۱۸)

سهم گذاران باید آمادگی پاسخدهی به سؤالهای روز جزا درباره رعایت حقوق یکدیگر باشند و بدانند که همه ی حسابها در این مرحله از حیات تسویه نمی شود.

۱- وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ لَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّا لَنُؤْمِنُ بِمَا نُنَادِيكُم بِهِ لَسَوَاءٌ عَلَيْنَا أُنبِئَكُمُ الْغَيْبُ لَئِن لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ فِعْلًا لِّمَن يَشَاءُ لَآتِيهِ الْغَيْبُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (۲) الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ. همان که مرگ و زندگی را (برای شما آدمیان) پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید و اوست مقتدر شکست ناپذیر و آمرزنده. (۳) همان که هفت آسمان را طبقه هایی پس بار دیگر بنگر آیا (در خلق اشیا) هیچ خلل و شکاف (و خلاف حکمت) می بینی؟ [۲ و ۳ / ملک]

۲- ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّؤَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ

۳- اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۴- إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

ب- اصول مختص زوجیت

درک اصل و فرع لایه‌های وجود: لازم است دانسته شود که پشت همی آیین‌ها معانی نهفته است^۱ پی بردن به آن ضرورت پایداری ایمان و عمل است و آن تنها با تفکر در حکمت آفرینش ممکن است.

چرخ با این اختران نغز خوش و زیباستی *** صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی صورت زیرین اگر با نردبان معرفت *** بر رود بالا همی با اصل خود یکتاستی صورت عقلی که بی‌پایان و جاویدان بود *** با همه و بی همه مجموعه و یکتاستی سهم گذاران باید بدانند که هر ارتباط لایه‌های متعددی دارد و تنها به ظاهر امور مشغول نشوند و به خاطر ظواهر حقایق ارتباط را ضایع نکنند.

درک پیوستار زمان از طرف سهم گذار: زمان از هیچ چیز جدا نیست لذا درک این مسئله برای انسان حیاتی است که انسان در پیوستار زمانی است که از او جدا نشدنی است گذشته، حال، آینده، همه مهم است زیرا بر فکر، احساس و رفتار انسان مؤثر است و باید به آن توجه داشت همچنان که قرآن به زمان‌های متفاوت با معانی گوناگون قسم یاد می‌کند: قسم به عصر، قسم به شب، به روز، به قیامت (عصر ۱؛ فجر ۲؛ لیل ۲؛ شمس ۳ و ...).

زن و مرد سهم گذار باید متوجه باشند زمان ابدی نیست و فرصت‌ها بی‌نهایت نخواهد بود. گذشته در حال جاری است و حال در آینده جاری خواهد بود و این همه هشدار به عمل صالح است.

۱- الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آن گاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند): بار الها! اینها را بیهوده نیافریده ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار! [۱۹۱ / ال عمران]. قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ ۱۰۴ . از پروردگارتان بصیرت‌ها به سوی شما آمده هر که بدیدد برای خویش دیده و هر که کور بوده به ضرر خویش بوده و من نگهبان شما نیستم. [۱۰۴ / انعام]

درک بافت پرورش سهم گذار: تزوجوا فی الحجر الصالح فإن العرق دسّاس^۱ در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است با خانواده شایسته ازدواج کنید؛ زیرا خصایص والدین و اجداد، به نسل بعد سرایت می کند.

خداوند در قرآن به مکان هم قسم یاد می کند کوه طور (طور، ۱) دریای مملو (طور ۴ و ۱۵) مشارق و مغارب (معارج، ۴۰) بیت معمور (طور ۴) شهر مکه و (بلد ۱ و ۲) و... بافتی که سهم گذار در آن پرورش یافته از شهر و خانواده و... بسیار مهم است. پس سهم گذاران باید انتخاب خود را با توجه به این اطلاعات انجام بدهد و در عمل متقابل باید آن را در نظر بگیرند و در پرورش فرزندان هم باید به آن توجه داشته باشند.

مبنای چهارم: مبنای هدفمندی^۲

خداوند آفرینش را آغاز می کند سپس آن را بازمی گرداند سپس شما را به سوی او بازمی گرداند (روم؛ ۱۰) ای انسان تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می روی و او را ملاقات خواهی کرد (انشقاق؛ ۶). بار الها؛ این ها را بیهوده نیافریده ای (آل عمران؛ ۱۹۱). همه چیز در جهان هدفمند است از جمله انسان و اعمال آن و از جمله اعمال ازدواج و تشکیل خانواده.

۱- مکارم الاخلاق، ص ۱۹۷؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۹۶؛ جامع الصغیر، ج ۱، ص ۵۰۵

۲- أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى. آیا انسان می پندارد که بیهوده و باطل رها می شود. [۳۶ / قیامه]. أَلَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ. همان که مرگ و زندگی را (برای شما آدمیان) پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکو کارترید و اوست مقتدر شکست ناپذیر و آمرزنده. [۲ / ملک]. صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ. به زودی نشانه های خود را در اطراف جهان و در درون جانسان به آنها نشان می دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است؟! [۵۳ / شوری]

الف: اصول مختص زوجیت

اصل مشابهت نگاه سهم گذاران: نوع نگاه به جهان و موضع گیری در برابر حقیقت، نوع و میزان ارتباط را تعیین می کند. در آیه ۲۲۱ سوره بقره با صراحت از نکاح با مشرکان، شرط ازدواج و در آیه ۱۰ ممتحنه/۶۰ از پابندی به پیوند ازدواج با زنان کافر نهی شده و در آیه ۲۶ نور/۲۴ فرموده است: زنان خبیث و ناپاک از آن مردان خبیث و ناپاک اند و مردان ناپاک به زنان ناپاک تعلق دارند: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ...» و در نقطه مقابل، زنان پاک به مردان پاک و مردان طیب به زنان طیب و پاک تعلق دارند.

زن و مرد در تعیین زوج خود باید نوع نگاه او را به خداوند، جهان و مردم مورد توجه قرار

دهد.

اصل هماهنگی نگاه سهم گذاران بر محور حق: زن و مرد سهم گذار باید میزان نزدیکی طرف خود را به خداوند در همه امور مورد توجه قرار دهد و با آگاهی کامل از آن وارد ارتباط شود.

اصل نیت مداری! ظاهر بسیاری از اعمال شبیه به یکدیگر است اما نیت افراد آن اعمال را از هم متمایز می سازد. باید توجه داشت مسئولیت افراد نه تنها در مقابل اعمال است بلکه

۱- قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا. بگو: «هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می کند و پروردگارتان کسانی را که راهشان نیکوتر است، بهتر می شناسد.» [اسراء / ۸۴]. کُنْ يَنَالُ اللَّهُ لِحُومِهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَ لَكِنْ يَنَالُهُ اتَّقْوَى مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ بَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ. نه گوشتها و نه خونهای آنها، هرگز به خدا نمی رسد. آنچه به او می رسد، تقوا و پرهیزگاری شماست. این گونه خداوند آنها را مسخر شما ساخته تا او را بخاطر آنکه شما را هدایت کرده است بزرگ بشمرید و بشارت ده نیکوکاران را!! [حج / ۳۷]. ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنًا نُعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَ لِيَبْلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ. آن گاه پس از اندوه، آرامشی به صورت خوابی سبک بر شما فرود آورد که گروهی از شما را فرا می گرفت و گروهی همتشان جان خودشان بود، درباره خدا گمان ناحق، گمان دوران جاهلیت می بردند، (در ظاهر به تو) می گفتند: آیا از این امر (پیروزی)

نیت‌ها هم مورد سؤال است. زن و مرد سهم گذار باید بیاموزد که خالص شود و درون و بیرون عمل را یکپارچه سازد. باید بیاموزد که آنچه در دل اوست بر عمل او اثر خواهد داشت.

مبنای پنجم: زوجیت^۱

زوجیت قاعده آفرینش است. از هر چیز یک جفت آفریدیم. شاید متذکر شوید (ذاریات؛ ۴۹)

الف: اصول محوری زوجیت

اصل ایجاد آرامش:^۲ همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار هم آرامش

یابید. (روم، ۲۱)

چیزی برای ما هست؟ بگو: مسلمانان کارها یکسره مربوط به خداست. آنان در دل هایشان چیزی را پنهان می‌کنند که برای تو آشکار نمی‌سازند، (در دل یا میان خودشان) می‌گویند: اگر (وعده‌ها راست بود و) برای ما از این امر (پیروزی) چیزی بود ما در اینجا کشته نمی‌شدیم! بگو: اگر شما در میان خانه‌های خود هم بودید بی‌تردید کسانی که کشته شدن بر آنها (در لوح محفوظ) نوشته و مقرر شده بود به سوی خوابگاه‌های خود (در معرکه جنگ) بیرون می‌آمدند (تا تقدیر خدا تحقق یابد) و تا خدا آنچه را در سینه‌های شماست (نیت‌های شما را) بیازماید و آنچه را در دل‌های شماست (ایمان شما را) خالص گرداند و خدا به آنچه در سینه‌هاست (به نیت‌های شما) داناست. [۱۵۴ / ال عمران]

۱- وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانان مودت و رحمت قرار داد در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! [۲۱ / روم]. أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ. آیا آنان به زمین نگاه نکردند که چقدر از انواع گیاهان پرارزش در آن رویاندیم؟! [۷ / شعراء]

۲- وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانان مودت و رحمت قرار داد در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! [۲۱ / روم]. هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنُكَونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ. ۱۸۹. او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد و چون

سهم گذار باید بیاموزد که هماهنگ با هدف آفرینش باید موجب آرامش شریک زندگی خود باشد. سهم گذار می آموزد که در راستای یکپارچگی آفرینش باید به قرار مکین وفادار باشد. سهم گذاران می آموزند همان گونه که بهترین آفریدگار را دارد که همسری را بهترین، محل رشد و شکوفایی قرار داده است باید بهترین ها را در شراکت خود لحاظ کند و سهم گذار خوبی باشد.

اصل ایجاد مودت و رحمت: و در میانان مودت و رحمت قرار داد در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر کنند (روم، ۲۱). در واقع هرچند ازدواج دارای کارکرد رفع نیاز جنسی طرفین را دارد اما خود آن هدف نیست بلکه در حقیقت آرامش و رشد مودت و رحمت که در نهایت همه جامعه را در برمی گیرد هدف اصلی آن را تشکیل می‌دهد. سهم گذاران می آموزند که مودت با توجه به شرف متعلق آن ارزش می‌یابد. پس از شور و شوق دوستی و دوست داشتن؛ دلسوزی و رحم بر ناتوانی‌ها و کاستی‌های یکدیگر ضرورت می‌یابد تا از طریق آن قاعده‌ی پیوستگی هستی دست به دست در جریان ارتباط انسانی نیز جاری شود.

اصل رعایت نقش زوجی^۱: در ازدواج هر جنس نقش خود را دارد ایجاد و حمایت از مرد و پرورش دهندگی و وسعت بخشی از زن. «زنان شما محل بذرافشانی شما هستند پس هر

سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند «اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود!» [اعراف /

۱- الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا. مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و بخاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند؛ و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند و در غیاب (همسر خود) اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند؛ و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد، در بستر از آنها دوری نمایید!) و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود)، آنها را تنبیه کنید! و اگر از

زمان که بخواهید می‌توانید با آن‌ها آمیزش کنید و...» اما این همه کار نیست نهایتاً این تولید باید به یک اثر نیک بیانجامد اثر نیکی از پیش برای خود بفرستید (بقره؛ ۲۳۳).

زن و مرد سهم گذار می‌آموزند که هر یک باید نقش خود را و نقش یکدیگر را در جایگاه هستی بشناسد. زن و مرد سهم گذار می‌آموزند که با ازدواج دوره خودمیان بینی پایان می‌یابد و چرخه‌ی ارتباط باید گسترش یابد و هر دو باید برای گسترش این چرخ بهترین سهم متناسب با موقعیت خود و هدف آفرینش خود را به میان آورد.

اصل زوجیت به اذن الله! ازدواج دارای محدودیت‌ها و وضعیت‌های خاصی است که حدود آن از جانب خداوند معین شده است. پس همچنان که هر عملی باید متناسب با

شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست.) [۳۴ / نساء]. أَجَلَ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفْتُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِيَابِسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَابِسٌ لَهُنَّ عَلِيمَ اللَّهُ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَ ابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَكُمْ الْحَيْضُ الْأَيْضُ مِنَ الْحَيْضِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُوا الصَّيَامَ إِلَىٰ اللَّيْلِ وَ لَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ... ۱۸۷... آمیزش جنسی با همسرانتان ، در شبِ روزهایی که روزه می‌گیرید ، حلال است. آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید) . خداوند می‌داند که شما به خود خیانت می‌کردید (و این کار ممنوع را انجام می‌دادید) پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آنها آمیزش کنید ، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته ، طلب نمایید! و بخورید و بیاشامید ، تا رشته سپید صبح ، از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب ، تکمیل کنید! و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته اید ، با زنان آمیزش نکنید! این ، مرزهای الهی است پس به آن نزدیک نشوید! خداوند ، این چنین آیات خود را برای مردم ، روشن می‌سازد ، باشد که پرهیز کار گردند! [۱۸۷ / بقره]

۱- إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ وَالِدَيْكَ إِذْ أَيْدُتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَ إِذْ عَلَّمْتِكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ إِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفَخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَ تَنْزِيلُ الْأَكْمَةِ وَ الْأَبْرَصِ بِإِذْنِي وَ إِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَ إِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۱۰ سوره مائده).

دستورات الهی باشد تا به سعادت بشر کمک کند، در ازدواج نیز باید حدود الهی را در نظر گرفت^۱.

زن و مرد سهم گذار می آموزند در این پیوند و پیمان بسیاری نعمات و رشد و شکوفایی و البته بر قاعده «ان مع العصر یسری» محدودیت‌های ویژه‌ای در پیش است و آنچه آن‌ها انتخاب می کنند باید به اذن الله باشد تا در جهت و جریان پرشور هستی و مسیر الی الله قرار گیرند.

اصل هماهنگی با قواعد کلی آفرینش: همه آفرینش مبتنی بر میزان و معیار صورت گرفته است. لذا انسان هنگامی سعادت‌مند خواهد بود که بر مبنایی هم آهنگ با آفرینش عمل نماید^۲.

۱- خداوند می فرماید: *وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ...*؛ با زن پدرتان ازدواج نکنید مگر آن چه پیش تر رخ داده است؛ زیرا کاری ناپسند و مایه خشم خداوند است و عملی بسیار زشت است. حرام شد برای شما ازدواج با مادر و دختر و خواهر و عمه و خاله و دختر برادر و دختر خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادر زن و دختران زنی که در دامن شما پرورش یافته‌اند، اگر با زن مباشرت کرده باشید و اگر نزدیکی نکرده‌اید و طلاق دهید، مانعی نیست که با دختر خود او ازدواج کنید. هم چنین ازدواج با زن فرزندان صلبی و جمع میان دو خواهر حرام است. مگر آن چه پیش از نزول این حکم رخ داده، زیرا خداوند بخشنده و مهربان است. ازدواج با زنان شوهر دار حرام است، مگر آن زنان که مالک شده‌اند. این فریضه‌ای الهی است که بر شما مقرر گردیده و هر زنی جز آن چه گفتیم، حلال است که با اموال خود به زناشویی بگیریید در صورتی که با کدامن باشید و زناکار نباشید - پس اگر شما از آنان بهره‌مند شوید، حق معینی را که مهرشان است، به ایشان بپردازید و بر شما باکی نیست که پس از تعیین مهر نیز به چیزی با هم تراضی کنید. البته خدا دانا و بر حقایق امور جهان آگاه است - نساء، آیات ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ به دلیل طولانی بودن آیه، تنها ترجمه آن‌ها آمده است.

۲- *فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْحَمِيدُ* ۶ (عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ) ۷ (لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا تَبَايَعْتُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ) ۸ (إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ) ۹ (بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَأَتَوْهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُفَّارِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكَ كُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ) ۱۰ (وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَأَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ) ۱۱* (همانا برای شما در روش آنان،

زن و مرد سهم گذار می آموزند که هر چیز در هستی از جمله حیات انسانی دارای معیار و ملاک، زمان و مکان، بافت و اصل و فرع مشخصی است.

اصل دوستی بر مبنای حق: همان طور که هر عملی باید مبتنی بر هماهنگی با حق باشد، دوستی در ازدواج و اصولاً خود ازدواج بایستی با توجه به حق صورت گیرد.^۱

(ابراهیم و یارانش) سرمشق خوبی است برای کسی که به خدا و روز واپسین امید دارد و هر کسی روی برتابد، خداوند بی نیاز و ستوده است. ۷* امید است که خدا میان شما و کسانی که با آنان دشمنی داشتید، (به واسطه اسلام آوردن آنان در فتح مکه) دوستی برقرار کند و خداوند توانا است و خداوند بخشنده مهربان است. ۸* خداوند شما را از نیکی و عدل نسبت به کسانی که با شما به خاطر دین جنگ نکرده و شما را از خانه هایتان بیرون ننموده اند منع نمی کند. همانا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. ۹* جز این نیست که خداوند شما را از دوستی ورزیدن با کسانی نهی می کند که به خاطر دین با شما جنگیده و شما را از سرزمین خود بیرون رانده اند و یا در اخراج شما همدستی کرده اند و هر کس با آنان دوستی ورزد، پس اینان همان ستمکارانند. ۱۰* ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه زنان مؤمن (از شوهر کافر جدا شده) هجرت کنان نزد شما آمدند آنان را (از نظر ایمان) آزمایش کنید و خداوند به ایمان آنان آگاه تر است. پس اگر آنان را مؤمن تشخیص دادید، به سوی کفار بازنگردانید، نه اینان برای آنان حلالند و نه آنان برای اینان حلال و آنچه را که شوهران کافر برای این زنان پرداخت کرده اند (از قبیل مهریه) به آنان پردازید و بر شما گناهی نیست که با اینان ازدواج کنید به شرط آن که مهریه آنان را پردازید و همسران کافره را به همسری نگاه ندارید و آنچه از برای آنان پرداخت کرده اید از کفار بگیریید همان گونه (اگر زن، مسلمان شده و به شما ملحق می شد)، هزینه هایی را که شوهران کافر پرداخت کرده بودند باید از شما درخواست نمایند. این حکم الهی است که خداوند میان شما مقرر داشته و خداوند آگاه حکیم است. ۱۱* و اگر از همسرانی که به سوی کفار رفته اند، چیزی از شما فوت شد (و شما نتوانستید مال و مهریه ای که پرداخت کرده اید، از کفار دریافت کنید) پس آنان را تعقیب کرده و به چیزی رسیدید، به آنان که همسرانشان رفته اند معادل آنچه خرج کرده اند پردازید و از خدایی که به او ایمان دارید پروا کنید. القلعه (آیه ۶ تا ۱۱)

۱- وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَا تُعْجِبُكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَا تُعْجِبُكُمْ أَوْلِيَاكُمْ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ- با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان آورند و یک کنیز با ایمان بهتر است از خانمی مشرک هر چند آن خانم مورد شگفت و خوشایندتان باشد و با مردان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان آورند که یک برده مؤمن از آقایی مشرک بهتر است هر چند که مورد شگفت و خوشایند شما باشد آری مشرکین شما را به سوی آتش دعوت می کنند و خدا به سوی جنت و مغفرتی به اذن خود می خواند و آیات خود را برای مردم بیان می کند تا شاید متذکر شوند (۲۲۱، بقره)- الْيَوْمَ أَحْلَلْتُ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَطَعَامَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلًّا لَكُمْ وَطَعَامَكُمْ حَلًّا لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتِ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ

سهم گذاران می آموزند که دوستی با منطق شخصی و با معیارهای متفرق نمی تواند مبنای یک رابطه مستمر و مطمئن باشد و زن و مرد باید بر محور حق دوست بدارند تا اطمینان و امنیت در زندگی حاکم شود.

در واقع کارکردهای ازدواج را می توان در دو محور خلاصه کرد:

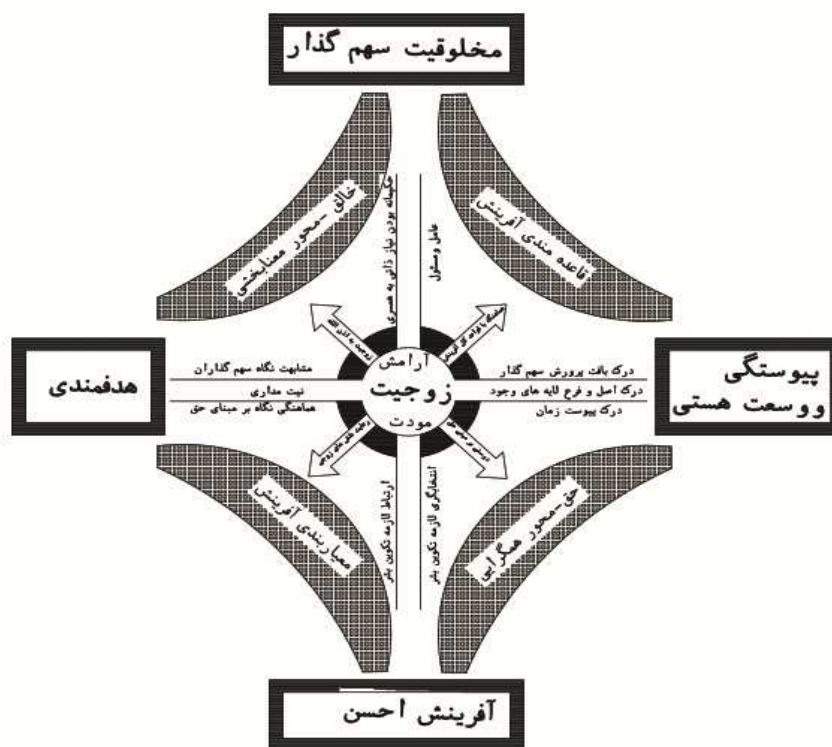
۱- آرامش شخصی و اجتماعی: جهت یابی- سامان یابی- رفع نیاز (مادی، جنسی و

عاطفی) از اشخاص و برقراری امنیت در جامعه.

و هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده و (همچنین) طعام اهل کتاب، برای شما حلال است و طعام شما برای آنها حلال و (نیز) آنان پاکدامن از مسلمانان و آنان پاکدامن از اهل کتاب، حلالند هنگامی که مهر آنها را بپردازید و پاکدامن باشید نه زناکار و نه دوست پنهانی و نامشروع گیرید؛ و کسی که انکار کند آنچه را باید به آن ایمان بیاورد، اعمال او تباه می گردد و در سرای دیگر، از زیانکاران خواهد بود (آیه ۵ سوره مائده). لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاءً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۲۸ قُلْ إِنْ تُحِبُّوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَوْنَ يُعَلِّمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلی از خدا گسسته می شود) مگر اینکه از آنها بپرهیزد (و به خاطر هدفهای مهمتری تقیه کنید) . خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می دارد و بازگشت (شما) به سوی خداست. بگو: «اگر آنچه را در سینه های شماست، پنهان دارید یا آشکار کنید، خداوند آن را می داند و (نیز) از آنچه در آسمانها و زمین است، آگاه می باشد و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۲۸-۲۹ سوره ال عمران). يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ- ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می راند اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده اید (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می سازید از همه دانایترم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است !

۲- تولید و توسعه: تربیت انسان مطمئن سالم - تربیت شهروند خوب - تربیت انسان جهانی

خوب.



بحث و نتیجه گیری

با توجه به الگوی ارائه شده، نشان داده شد که مبانی الگوی پیشنهادی در حل تعارضات خانواده علاوه بر مبنای محوری زوجیت، ۴ مبنای مرتبط را هم دربر می‌گرفت که عبارت‌اند از: ۱- مخلوقیت سهم گذار: قانون سعادت از جانب خالق می‌آید و توجه کلی به رابطه اساسی دیدگاه هستی شناسانه و زندگی روزانه است. ۲- آفرینش احسن: هر چیز در بهترین شکل خود آفریده شده و عمل انسان باید با توجه به بهترین صورت گیرد. ۳- پیوستگی و وسعت هستی: انسان جزئی از یک کل بزرگ است و توجه به ارتباط نقش جریان پیوسته هستی بر فعالیت‌های روزانه بشر از جمله جریان زندگی خانوادگی است. ۴- هدفمندی: آفرینش هر ذره هدفمند است.

با توجه به مبانی و اصول الگوی پیشنهادی اگر انواع درمان در حیطه جان بر یک محور طبقه‌بندی شود، مشاهده خواهد شد درمان‌های مربوط به حیطه جان یا درون شخصی و یا بین شخصی است.

درمان‌های درون شخصی به فرایندهای درونی یک شخص متمرکز می‌شود و تعریف مسئله و حل آن را در فرایندها و محتواهای درون شخصی جستجو می‌کند و درمان‌های بین شخصی مسئله و حل آن را در فرایندهای ارتباطی مورد بررسی قرار می‌دهد. هر چند جداسازی این دو حیطه از یکدیگر عملاً غیرممکن است و همه عالمان این حیطه به تأثیر و تأثر آن‌ها بر یکدیگر اذعان داشته‌اند اما از جهت شناخت بهتر حیطه‌ها، بررسی تفاوت روندها و فرایندهای طی شده در مسائل به گونه‌ای درون شخصی و بین شخصی لازم به نظر می‌رسد.

با توجه به مبانی و اصول مطرح شده انسان سالم و غیر سالم بر پیوستاری از تأله قرار خواهد داشت زیرا انسان سالم کسی است که ۱- دارای شناخت صحیح از خود، جهان و خالق خود و هدف آفرینش است. ۲- دارای عواطف و هیجان مناسب با اهداف آفرینش است. ۳- دارای عمل مناسب با شناخت و عواطف خدا محور است. مشخصه شناخت صحیح در قرآن کریم شناخت پیوستار مبدأ تا معاد است. آن‌ها که شناخت صحیحی از اصل و فرع دارند در تبعیت از

حق و انعطاف در مقابل آن، به اشتراک گذاشتن و به نوعی سهم گذاری وجودی پیشی گیرنده‌اند.

انسان هم فاعل شناسای هستی است و هم خود بخشی از هستی است. در طول تاریخ فعالیت یافتن شناخت نسبت به هستی خود یکی از موضوعات محوری و اساسی انسان بوده است. گویی انسان شناخت همه چیز را به خاطر شناخت خود دنبال می‌کند. انسان موجودی است که در نیازمندترین شکل به دنیا می‌آید و به نظر می‌رسد تنها موجود جاندار است که برای ورود به دنیا و ماندن در دوره اولیه زندگی خود نیاز حتمی به مراقبت دارد. تاریخ نشانی از یک بشر بدون مراقبت حتی مراقبت حیوانات ندارد. به این دلیل به نظر می‌رسد بشر همواره در دل خانواده حضور یافته است و نهاد خانواده مقدم بر زندگی شخصی اوست.

به این ترتیب چنانچه از برهان خلف استفاده کنیم، باید این‌طور فرض کنیم که خانواده ابتدایی‌ترین نهاد اجتماعی است که تاریخی به قدمت خلقت انسان دارد. از آن زمان که انسان براساس تنوع یا تبدل- هر کدام از نظریات که در نهایت بتواند درستی خود را به اثبات برسانند- تولدی با خصوصیت بشری یافته، نیازمند مراقبت در بستر یک ساختار با خصوصیت خانواده بوده است؛ زیرا هم برای تشکیل نطفه خود نیازمند یک واحد دو نفره از زن و مرد و هم برای ادامه‌ی حیات نیازمند مراقبتی از نوع بشری بوده است تا بتواند همه ویژگی‌های بشری خود را به منصفه ظهور برساند. یافته‌های روان‌شناختی مواردی که در جنگل یافت شده است، نشان می‌دهد، پرورش در محیط غیرانسانی عدم رشد توانایی‌های انسان را در بر دارد.

زیرا موارد یافت شده هرچند براساس مراقبت‌های اولیه حیوانات (شاید*) زنده مانده‌اند اما نتوانسته‌اند همه ابعاد وجودی خود را به عنوان یک بشر به ظهور برسانند. بر اساس برهان خلف اگر انسان امروز توانسته است این چنین باشد لازمه‌اش وجود خانواده و ارتباطات پیچیده آن در مبدأ تاریخ است. تعریفی که از خانواده با توجه به این الگو پیشنهاد می‌شود:

«خانواده نهادی است که با سهم گذاری عاطفی و حمایتی یک زن و مرد براساس یک نیاز فطری تشکیل می شود و طی فرایندهای تبادلی با نظام های جهان شناختی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی خود گسترش و تکوین می یابد».

ارکان این تعریف که آن را متمایز از دیگر تعاریف می سازد عبارت است از:

۱- تأکید بر مفهوم سهم گذاری عاطفی و حمایتی:

این مفهوم همان طور که نحوه شکل گیری یک خانواده را مشخص می نماید و اشاره به وجود یک قرارداد دارد. نحوه تداوم، سلامت و آسیب آن را نیز مشخص می نماید. سهم گذاری لازمه شروع و تداوم یک زندگی است و وجه آسیب شناختی این قرارداد هم مشخصاً زمانی خواهد بود که طرفین به سهم خواهی رو بیاورند. لازمه رشد چنین سیستمی مشخصاً توسعه سرمایه گذاری و سهم گذاری است. از آنجا که سهم گذاری عاطفی و حمایتی لازمه این قرارداد است لذا رضایت شخصی طرفین یک اصل غیر قابل تغییر است. تأکید بر مفهوم سهم گذاری در قرار ازدواج حقوق متقابلی را به دنبال می آورد و در نتیجه توجه به مبانی هستی شناسی حقوق در این نوع تبیین خانواده اهمیت دارد؛ اما مبانی هستی شناسی حقوق عبارت اند از:

- **اعتبارات دینی:** قوانین و مقررات یا ریشه تکوینی دارند یا اعتباری. دین اسلام از پشتوانه تکوینی برخوردار است. این پشتوانه به گونه ای است که همه بخش های عقاید، اخلاق، حقوق و فقه را زیر پوشش خود قرار می دهد به این معنا که در آن سوی احکام و تعالیم دینی، حقایق تکوینی قرار دارد و هر چیز در دین منشأ عینی دارد. حقوق و قوانین اسلامی دارای ضمانت اجرایی اخروی است. بدون ایمان به خدا و فطرت الهی در ساحت قانون گذاری هیچ ضامن اجرایی قابل اعتمادی وجود نخواهد داشت؛ زیرا در این روش ضمانت اجرای قوانین می بایستی از درون خود انسان بجوشد و تنها راه دستیابی به این عامل بازدارنده، ایمان به روز حساب است.

- **مالکیت الهی:** انسان برای برقراری ارتباط با جهان خارج از خود، اعم از انسان‌های دیگر یا موجودات و اشیاء به دلیل وابستگی وجودی آن نیاز به اذن الهی دارد.
- **آزادی:** در حقوق اسلامی هر چیز که عزم و اراده آزادانه انسان‌ها را محدود سازد، ممنوع است بر خلاف حقوق غربی که موانع به فعلیت رسیدن آزاد هواهای نفسانی را محدود می‌سازد. «در حقیقت در اینجا آزادی مبتنی بر تعقل است و آنجا بر خواسته‌های نفسانی».
- **محدوده آزادی:** آزادی در نظام تکوین بر مدار «علیت» استوار است؛ و انسان نمی‌تواند خارج از مدار علیت اثری ایجاد کند.
- ۲- **رکن دوم این تعریف:** فطری بودن نیاز تشکیل خانواده است و این نیاز هر دو طرف است که چون فطری و ذاتی دو طرف است برتری هیچ یک را بر نمی‌تابد و یک قرارداد «بُرد-بُرد» را برای دو طرف تعریف می‌کند.
- در هستی‌شناسی اسلامی اصولاً همه چیز زوج آفریده شده است از جمله انسان‌ها و چون نیاز ذاتی دو طرف است، هیچ یک در این نیاز تحقیر نمی‌شود. هیچ کدام هم برتری ندارد. هر دو به هم نیاز دارند و این کشش ذاتی سرمایه‌ای است که هر دو طرف به اشتراک می‌گذارند تا بنیاد یک خانواده شکل بگیرد.
- ۳- **رکن سوم این تعریف:** وجود یک زن و یک مرد است. لذا خانواده هر چند ممکن است در ادامه عضوی را از دست بدهد ولی تنها با وجود یک زن و مرد شکل می‌گیرد و ارتباطات دیگر در قالب خانواده ایجاد می‌شود.
- وقتی خانواده بر محور هستی‌شناسی واقع‌گرا تعریف می‌شود، تنها شکل ازدواج پذیرفته شده؛ شکل مبتنی بر خلقت است که یک زن و یک مرد را در بر می‌گیرد.
- اما در رکن چهارم این تعریف؛ خانواده تحت تأثیر ارتباط با نظام‌های مختلف محیط بر خود به گسترش یک نظام جهان‌بینی خاص، پرداخته و براساس نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جاری تکوین یافته و متقابلاً در تمام این سیستم‌ها مؤثر واقع می‌شود و طی این چرخه انسان و اجتماع به شعبات متمایز و به تعبیر قرآن قابل تشخیص تبدیل می‌شود.

هدف اصلی در الگوی مشاوره‌ای سهم گذاری

* تغییر از نقطه سهم گیری و بهره‌وری از جهان به نقطه سهم گذاری در جهان و خانواده

پیش فرض‌های مورد استفاده در این الگو عبارت بودند از:

مخلوقیت سهم گذار؛

عاملیت سهم گذار؛

مسئولیت سهم گذار؛

ذاتی بودن نیاز همسری در سهم گذاری؛

ذاتی بودن نیاز به ارتباط در سهم گذاری؛

ذاتی بودن نیاز به آرامش و مودت؛

ذاتی بودن اختیار سهم گذار.

و فرایندهای آگاهی بخشی مورد استفاده در این الگو عبارت بودند از:

ایجاد آگاهی هستی محور: لزوم به اذن الله بودن ازدواج، لزوم هماهنگی با هدف کلی

آفرینش، لزوم رابطه مبتنی بر حق و لزوم رعایت نقش‌های زوجی.

ایجاد آگاهی انتخاب محور: لزوم مشابهت نگاه به هستی، لزوم هماهنگی در نگاه به هستی،

لزوم مشترک بودن اهداف و لزوم درک اصل و فرع.

ایجاد پیش آگاهی: درک تأثیر پیوستار زمان و درک بافت پرورش سهم گذار.

ایجاد آگاهی جاری و دائمی: درک نظارت دائم خالق در هست و درک وجود غیب و

قیامت.

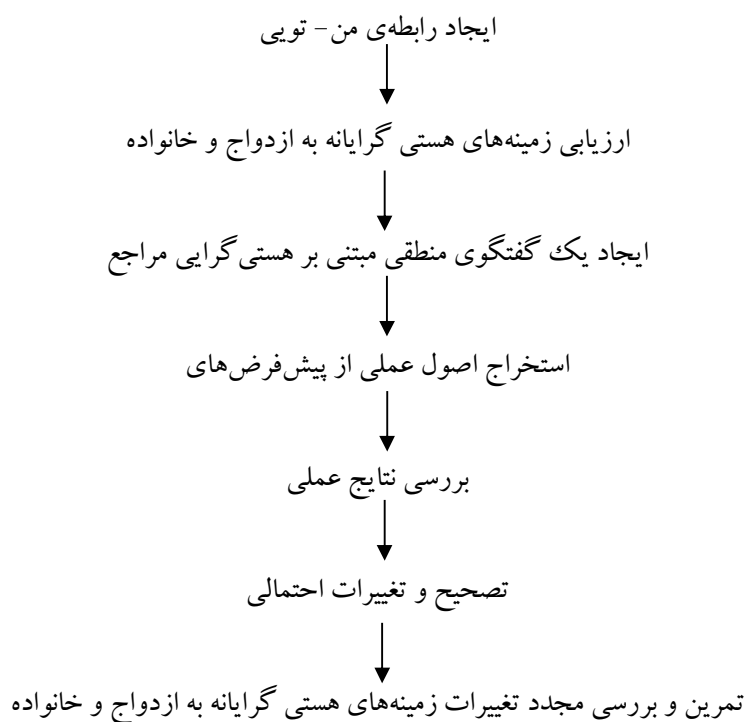
و فنون ارتباط با مراجع که با توجه به قرآن کریم در الگوی سهم گذاری مورد استفاده

قرار می‌گیرد نیز عبارت بودند از: سخنرانی (۱۲۵. سوره نحل، مباحثه (۹۲. سوره ص)، پرسش و

پاسخ (۲۱۵ مجادله - ۱۲۵ سوره نحل، تصویرسازی ذهنی (۱۱ سوره حجرات، داستان سرایی

(۴۳ سوره توبه، مقایسه (۳۴ فصلت)، تمثیل (۲۷ سوره زمر - ۴۵ سوره کهف)، بهره‌برداری از

انگیزه‌ی محبوب شدن (۱۰۷ سوره نساء)، بهره‌گیری از غریزه پاداش طلبی برای نیل به سعادت (۱۳۴ سوره نساء)، بهره‌گیری از بیم و امید به طور همزمان (۱۱۰ سوره نساء) و استفاده از برگزیده شدن به واسطه‌ی خداوند (۱۲۵ سوره نساء).



منابع

- قرآن کریم.
 دالاس رودی؛ دراپر، راس. (۲۰۰۵). مقایسه نظریه‌های خانواده درمانی با محوریت نظریه‌ها و کاربرد سیستمی. ترجمه: معصومه اسمعیلی (۱۳۹۰)، تهران، رسا.

Carr, A. (2012). *Family Therapy: Concepts, Process and Practice*, Edition 3, John Wiley & Sons

- Davis, S. D., & Piercy, F. P. (2007). *What clients of MFT model developers and their former students say about change*, Part I: Model dependent common factors across three models. *Journal of Marital and Family Therapy*, 33, 318–343.

- Lambert, M. J., & Ogles, B. M. (2004). *The efficacy and effectiveness of psychotherapy*. In M. J. Lambert (Ed.), *Bergin and Garfield's handbook of psychotherapy and behavior change* (5th ed., pp. 139–193). New York: Wiley.